



رفتگان بی بازگشت

درباره بعضی از چهره‌های محبوب که همچنان در یاد طرفداران شان زنده‌اند



مریم شاهپورنی

دبیر
تحریریه

طی سالها آدم‌های معروف یا محبوب زیادی بار سفر بسته‌اند و رفته‌اند. بعضی از این آدم‌ها از حوزه کاریشان رفته‌اند، بعضی به کشور دیگری رفته‌اند و بعضی هم راهی سفر حق شده‌اند. مطمئناً همه این موارد در ذهن مردم ماندگار نمی‌شوند. اصول و چرایی‌اش را نمی‌دانم اما به گمانم آنهایی ماندگارند که از یک جایی به بعد، به روح مخاطب وصل شوند.

مخصوصاً آن دسته از چهره‌ها که علاوه بر شهرت، محبوبیت هم داشته‌اند، به نیکی در ذهن می‌مانند و رفتنشان مثل رفتن عزیز می‌شود که تا مدت‌ها به چشم می‌آید. ما در این صفحه از نوجوانه، سراغ بعضی از این رفتگان بی بازگشت رفته‌ایم و از آنهایی گفته‌ایم که همچنان در یاد طرفداران شان زنده‌اند.



عقاب ایران

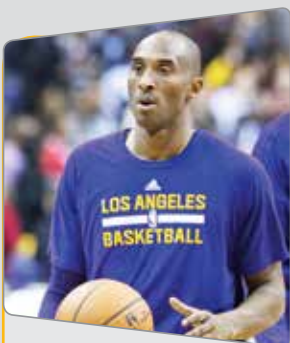
وقتی که خبر فوتش در خرداد سال ۱۳۹۰ منتشر شد، یکی از روزنامه‌ها تیترو زد: «عقاب از شهر کلاغ‌ها پرید.» می‌گویند محبوبیت او تنها در میان طرفداران استقلال نبود و حتی پرسپولیسی‌ها هم دوستش داشتند. ناصر حجازی، یکی از دروازه‌بان‌های برتر قرن بیستم جهان و دومین دروازه‌بان برتر قرن بیستم آسیا شمرده می‌شد. مردم ایران بسیار به او ارادت و علاقه قلبی داشتند و هنوز هم این ارادت در آنها زنده است. همچنان در فوتبال‌ها و مراسم‌های فوتبالی از او

به نیکی یاد می‌کنند، قدیمی‌ترها وقتی اسم ناصر حجازی را بر زبان می‌آوردند، با حسرت سر تکان می‌دهند و جایش را در زمین چمن خالی می‌دانند. او که متولد دهه ۲۰ شمسی بود و در عمر هفتاد و اندی ساله‌اش برو و بیایی برای خود داشت، سرآخر وقتی که مشغول تماشای بازی استقلال بود به کما رفت و بر اثر بیماری سرطان ریه درگذشت. تصاویر تشییع جنازه پرازدحام ایشان، گویای علاقه قلبی مردم به این دروازه‌بان مردمی است.



آقای جوزف، بدرود

شاید اگر به چند دهه قبل برویم و از جوان‌ها پرسیم که در میان خوانندگان خارجی چه کسی را خوب می‌شناسند؟ بی شک یکی از جواب‌ها، مایکل جوزف جکسون است. مایکل جکسون، مرد پرحاشیه و پررمزورازی که در طول حیاتش بسیار مورد قضاوت و بحث قرار می‌گرفت. بعضی از این حرف و حدیث‌ها تا امروز هم ادامه دارد و با این‌که بیش از یک دهه از مرگش گذشته است اما همچنان شایعاتی درباره زنده بودن او پخش می‌شود. همین شایعات نشان می‌دهد که حتی مرده مایکل جکسون هم می‌تواند پربازدید و پرمخاطب باشد. خبر فوت مایکل جکسون در تیرماه سال ۱۳۸۸ در جهان پیچید و طرفدارانش را به سوگ نشاند. به گفته بعضی از منابع، جکسون محبوب‌ترین هنرمند تاریخ صنعت نمایش، مشهورترین انسان مرد تاریخ، نیکوکارترین ستاره پاپ و پرجایزه‌ترین هنرمند جهان است. اکثر ایرانی‌ها مایکل جکسون را به خاطر حرکات نمایشی‌اش در حین اجرا می‌شناسند، اما موسیقی‌های اجتماعی‌ای مثل «به ما اهمیتی نمی‌دهند» هم دارد که به نوبه خود شنیدنی و قابل تأمل است؛ برخی این موسیقی را مرتبط با فلسطین می‌دانند و محتوایش را ضدیهودی می‌خوانند.



افسانه‌ها هم می‌میرند

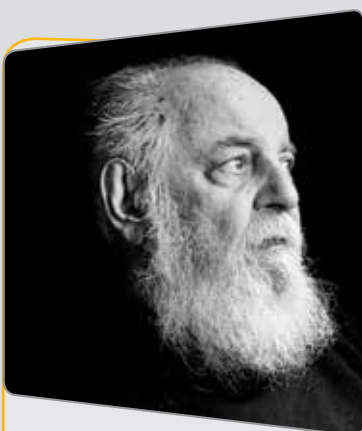
برای جامعه ورزشی، غم از دست دادن او شوک عجیبی بود. مرگ کوبی برایان تلخ بود و تا مدت‌ها کام دوستدارانش را تلخ کرد؛ به خصوص که این تلخی با مرگ فرزند او هم گره خورده بود. کوبی برایان، اسطوره بسکتبال جهان بود. مرد بلندقامت آمریکایی تبار که نه تنها جامعه ورزشی بسکتبال، بلکه هنرمندان، چهره‌های مشهور و مردم او را به خوبی می‌شناختند. مردم برای او و افتخارات و مقام‌هایی که به دست آورده بود و لقب‌هایی

که پشت اسم او ردیف می‌شد، ارزش قائل بودند و به همین جهت، خبر فوت او واکنش‌های زیادی را در پی داشت. کوبی برایان در بهمن سال ۱۳۹۸، درحالی‌که ۴۱ سال داشت همراه با دختر کوچکش و هفت مسافر دیگر سوار هلیکوپتر شد اما هیچ‌گاه به مقصد نرسید. طرفداران کوبی او را افسانه می‌خواندند، افسانه‌ای که نه تنها بسکتبالیست بی نظیری بود، بلکه نویسندگی و تهیه‌کنندگی هم می‌کرد و جایزه اسکار داشت.



جوان دوست داشتنی پاپ

از آن دسته خوانندگان موسیقی پاپ ایران بود که می‌گویند اگر می‌ماند و با همان فرمان پیش می‌رفت، درخشش هزاران برابر بیشتر می‌شد. خواننده‌ای که سلیقه موسیقایی نسل خودش را می‌شناخت و آثارش همچنان شنیده می‌شود. مرتضی پاشایی، مردی که رفتنش در سال ۱۳۹۳، طرفدارانش را غم‌زده و نسل جوان را شوکه کرد. پاشایی توانسته بود در میان باقی خوانندگان اسمی در کند و شنیده شود درحالی‌که زمان فوتش، ۳۰ سال سن بیشتر نداشت. از زمان فوتش تا به الان، هرساله آثار آرشیو شده‌ای از او منتشر می‌شود و یاد و خاطره مرتضی پاشایی عزیز را زنده نگه می‌دارد. او که با آهنگ‌هایی مثل جاده یکطرفه، یکی هست و عصر پاییزی شنیده شده بود، حدود یک سال با بیماری سرطان معده مبارزه کرد اما در نهایت، روزی از آبان ماه سال ۱۳۹۳ بر اثر سرطان معده درگذشت. صدای او بعد از ۱۰ سال هنوز هم در گوش شنونده هایش پژواک می‌شود. او در دل طرفداران موسیقی پاپ ایران زنده است و همچنان با همان صدای زیبا و سوزناک می‌خواند: «آخه هرکی رسید دل ساده من روشکست...»



خاموشی سایه

وقتی با آن محاسن سفید، لحن گیرا و سوزناک و صدای زیبا می‌خواند: «دریچه آه می‌کشد، تو از کدام راه می‌رسی؟»، مردم با او بیشتر آشنا شدند. سایه ادبیات شعری ایران، هوشنگ ابتهاج در حالی فوت کرد که ۹۵ سالگی را تجربه می‌کرد. برای جامعه ادبی ایران، از دست دادن شاعری مثل ایشان غمبار و سخت بود؛ مردی با سن و تجربه او که برای طرفدارانش از خاطرات مشترک با شهریار می‌گفت و تاریخ زنده بخشی از ادبیات معاصر ایران به حساب می‌آمد. اکثر ابتهاج را با شعرهای ارغوان، کوچه سارشب و

حصار می‌شناسند. او نه تنها چهره مهم ادبی به حساب می‌آمد، بلکه رد پای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی دوران جوانی‌اش، هم در زندگی شخصی و هم در آثارش دیده می‌شد. او در نوزدهمین روز از مرداد سال ۱۳۹۰ با دنیایی که به قول خودش پر از زیبایی و شگفتی بود، خدا حافظی کرد و پس از سال‌ها زندگی در غربت، در باغ محتشم رشت به خاک سپرده شد.



محبوب مثل علی

او جایی گفته بود: «مرگ ترس دارد. امکان ندارد کسی از مرگ نترسد.» اما خودش شجاع‌تر از این حرف‌ها بود و مرگ را در میانه جوانی در آغوش گرفت. علی انصاریان، بازیکن پیشکسوت پرسپولیس و استقلال که بخش زیادی از محبوبیتش را بعد از ورود به حرفه اجرا و بازیگری به دست آورده بود، در اوج محبوبیت با طرفدارانش خدا حافظی کرد. در دوران کرونا و روزهای تلخی که تجربه می‌کردیم، خبر از دست دادن علی انصاریان داغ سنگینی بود که بر دل طرفدارانش نشست.

او با آن شوخی‌های بامزه، چشم‌های براق، خنده‌های بلند و انتقادهای مردمی‌ای که با صدای رسا به گوش مسئولان می‌رساند، محبوب و محبوب‌تر شده بود. محبوبیت او به جایی رسید که نسل جدید، علی انصاریان را بیشتر یک مجری و هنرپیشه می‌شناختند تا یک فوتبالیست پیشکسوت. علی انصاریان هنوز هم طرفداران خودش را دارد، ویدئوهایش در فضای مجازی دست به دست می‌شود، مردم از او یاد می‌کنند و نامش را زنده نگه می‌دارند. او که دوست داشت قبل از مادرش از دنیا برود، روزی از بهمن ۱۳۹۹ بر اثر کرونا درگذشت.